



۲۰۲۱/۰۱/۱۴

محمد عارف عباسی

## توضیحی بر تبصره داکتر صاحب غروال!

در مورد

نامه افغان های مقیم ایالات متحده امریکا  
به رئیس جمهور، جوزف بایدن

### محترم جناب داکتر صاحب غروال!

مسرت دارم که متن نامه عنوانی « رئیس جمهور امریکا » بعد از ده روز نشر در این صفحه، به منظور نظر خواهی، مورد توجه شما قرار گرفت.

در مقدمه حتماً ملتفت شده اید که من بلند کردن صدای مردم افغانستان را به نحوی بنابر دلائل واضح مخصوصاً به حکومت جدید امریکا، به زعم خودم، در نبود دیگر امکانات یک ضرورت تلقی نموده و به حیث یک رسالت درک کردم، بنابر اهمیت همه جانبه چنین اقدام حساسیت های متعارف، ایجابات و مقتضیات خاص پیشنهاد تشکل یک کمیته را برای انجام این کار نمودم، ولی هم وطنان محترم از روی مرحمت و اعتماد این افتخار را به من عنایت فرمودند و اجازه انجام کار صادر کردند.

با فهم واقع بینانه آگاهی کامل سیاسیون امریکا از دلیل کمک نظامی شان در دهه ۸۰ و تهاجم نظامی شان در هزاره دو در افغانستان، احتمالاً از دیدگاه افغان خبیر و بصیر، بعد از ارزیابی بیست سال حضور فعال آن کشور با توان مندی قدرت سیاسی، نظامی و اقتصادی و مالکیت صلاحیت های متمرکز اجرایی در کلیه امور این کشور تحت اشغال، باید تبارز هویت نموده در این ارزیابی ۲۰ ساله امریکا را با تذکر دست آورد ها و اشتباهات کمک می کردیم.

چنانچه معمول است در جمیع ساحات زندگی موفقیت و عدم موفقیت تطبیق یک طرح خاص توسط وسائل و امکانات وسیع مورد ارزیابی قرار می گیرد. در نظام های دموکراتیک انتخابات و آراء مردم معیار سنج چگونگی یک نظام است.

شرائط دموکراتیک و احترام به حقوق بشر اظهار نظر افغان را در این ارزیابی در قالب یک پدیده معقول، سنجیده شده مطابق تعارفات معمول دیپلماتیک حق مسلم و مدنی اش دانسته که به حیث یک ملت محکوم و

سوخته در یک جنگ تحمیلی بیست ساله از بطن جامعه صدا برآید که در اصول به مراتب مهمتر از دیدگاه سیاسیون و نظامی های ذیدخل فاجعه افغانستان است.

احیاناً اگر اتخاذ تصمیم بر مبنای طرح های خاص و مرموز حلقات ذیدخل اندیشوی مطابق اهداف و منافع چندین جانبه کشور متهاجم بوده باشد، که یقیناً راه یافتن به آن از حیطة توان و فهم ما بیرون است، و البته در این حال داد و فریاد خیال پردازی و امیدواری بی موردی بیش نیست.

ولی تاریخ و تجارب به ما آموخت که محاسبات دقیق و سنجیده شده دستگاه های بزرگ سیاست ساز جهان که مغرور موفقیت های سیاسی خود بوده اند، در نادیده گرفتن واقعیت های عینی و تدابیر دقیق و ملاحظات ارزشمند و تکیه زدن به قدرت نظامی مرتکب اشتباهات بزرگ و خطیری شده اند که بار آورنده خسارات هنگفت مالی و جانی نه تنها برای خودشان بوده بلکه چنین حطا های سیاسی حوادثی آفرید که جهان را در معرض تهلکه قرار داده (تشکل سازمان های افراطی در پاکستان با پول سعودی و حمایت امریکا) و کشور اشغال شده را به صوب بربادی و تباهی کشاند، در نهایت اقداماتی صورت گرفت که در حریم حیثیت و وقار سیاسی یک ابر قدرت قابل تصور نبود، چنان چه امریکا امروز در دوحه با گروهی سر میز مذاکره نشسته و برایش امتیاز سیاسی و وعده ملکیت افغانستان می دهد که تا دیروز تروریست و قاتل و دشمن تمدن و ناقض حقوق بشر قلمدادش می کرد.

اگر چنین پنداریم که در تطبیق سیاست های امریکا بعد از سال ۲۰۰۱ در وطن ما تصمیم عمدی و بر اساس یک سیاست طرح شده دور اندیشانه سنجیده شده نبوده، و در عدم آگاهی شرائط عینی، و ارزیابی دقیق بحران ناشی از تهاجم شوروی و جنگ های مدعش داخلی و تشکل جریان طالب تدابیر به گونه عجولانه مطابق نیازمندی های غیر قابل پیش بینی صورت گرفته، امریکا و متحدینش با یک طرح منسجم و هم آهنگ نظامی و باز سازی افغانستان با تفاهم و توافق همه جانبه به افغانستان حمله ور نشده اند و عنصر عاطفی و پیوند سیاسی مطرح بوده، بدون شک که در آن خبط های بزرگ و اشتباهات بحران آفرینی برای خود متهاجم جهان و کشور اشغال شده صورت گرفته (واقعه ۱۱ سپتمبر) هم وضع کنونی و آینده رو به انحطاط افغانستان (حکمرانی جانیان، ناقضین حقوق بشر و چپاولگران سارق سالاران قرن) و آینده افغانستان (بحران امنیتی، فقر بی سابقه، تولید و تجارت رو به افزایش غیر قابل جلوگیری تریاک و مداخلات علنی همسایگان و قدرت های منطوقی) که این وطن را به خطر زوال و نابودی مواجه ساخته.

لذا با چنین برداشتی در فقدان یک تشکل قوی سیاسی مهاجرین افغان، و اسارت علنی افشار بیدار و آگاه در داخل، توسل به نامه نویسی در این دوره انتقال قدرت نه تنها که ضرر ندارد بلکه اگر مورد توجه قرار گیرد برای مقامات مسؤول امریکا یک سندی معتبر سیاسی از جانب جمعیتی از افغان ها خواهد بود.

در متن اولی نامه از طرف «ملت افغان» نوشته شده بود. صاحب نظری عاقلانه گفت که ما به خود حق نمایندگی از ملت داده نمی توانیم باید از طرف «مهاجرین افغان در امریکا نوشته شود». دانشمندی فرمود حتی از طرف «مهاجرین افغان در امریکا» هم پا از گلیم فرا ماندن است، به اساس کدام سند و کدام رأی گیری. باید «از طرف عده ای از افغان های مهاجر مقیم امریکا» نوشته شود.

محترمانی چون جلیل غنی هروی و انجنیر صاحب مایار بدون تغییر کلی متن با بعضی تعدیلات پیشنهاد کوتاه ساختن متن را نمودند. محترمان الله محمد و داکتر سعیدی پیشنهاداتی مناسبی برای مؤثریت و مؤجزیت آن ارائه نمودند.

اما تبصره اجمالی شما بدون توضیح مشخص و یا تغییری در بند و ماده ای، که از دانشمندی چون شما توقع نمی رفت، نهایت مبهم و بغرنج و غیر قابل فهم بود. عارف عباسی چه و چگونه می نوشت و به کدام سبک و شیوه که ممثل مظالم امریکا بر افغانستان می بود می نگاشت. چرا شما یک بدیلی بطور نمونه ننوشتید که برای من رهنمای خوب بوده مورد بررسی دیگران قرار می گرفت.

شما بهتر می دانید که نوشتن یک نامه به مقامی از خود ایجابات و مشخصات معین دیپلماتیک دارد و من در ابتدا با مدنظر داشت این باریکی و شاخص سیاسی کمک خواستم و شما بعد از ده روز با پیشنهاد نی بلکه با انتقاد معلق و سر درگم تشریف می آورید.

قبول کنید که من بیش از صدها ایمیل و تلفون از هموطنان گرفته ام که همین متن را قبول و تایید کرده اند. فکر می کنم این شیوه مناسبی برای انجام یک اقدام نیک باشد این را همکاری نی بلکه خراب کاری می گویند. چلیپا کشیدن آسان است ولی اندیشه، ابتکار و عمل مهم است که طبعاً نیازمند اصلاح است. متأسفانه من از انتقاد شما مطلب مهمی را دستیاب نکردم. اما احترام من به شخص شما پایدار است.



[برای مطالب بیشتر محمد عارف عباسی، اینجا کلیک کنید](#)